

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۷۷ تا ۱۹۴

نقش زیان‌دیده در بروز خسارت در حقوق مسئولیت بین‌المللی

سید قاسم زمانی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

(Email: zamani@atu.ac.ir)

وحید بذآر*

دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه

طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷)

چکیده

در حقوق مسئولیت بین‌المللی، مشارکت در خسارت یا امتناع از کاهش خسارت از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده، در تعیین جبران خسارت مد نظر قرار خواهد گرفت. با اینکه قاعده یادشده به صورت کاملاً مشابه در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده است، تمایزهای متعددی در خصوص اجرای آن در این دو حوزه وجود دارد. این تمایزها عمدتاً به این سبب است که سازمان‌ها از دولت‌های دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی تشکیل شده‌اند. همچنین، کارکنان آن‌ها که به‌طور هم‌زمان تبعه یک دولت هستند، در برخی از موارد ممکن است تحت حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود قرار گیرند. نگارندگان این نوشتار در تلاش‌اند تا ضمن تبیین جنبه‌های حقوقی «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» و شرایط اعمال آن در حقوق مسئولیت بین‌المللی، اجرای آن را در حقوق مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد پژوهش و بررسی قرار دهند.

واژگان کلیدی

تعهد به کاهش خسارت، دولت، سازمان بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی، مشارکت در خسارت.

مقدمه

بر اساس حقوق مسئولیت بین‌المللی، هر «فعل متخلفانه بین‌المللی» (Internationally Wrongful Act) مستلزم «جبران» (Reparation) است. یکی از موارد استثنا بر این اصل، «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» (Contribution to the Injury) است. به این ترتیب هنگامی که دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده در ورود خسارت نقش داشته باشد، اصل جبران خسارت متناسب با نقش زیان‌دیده در خسارت تعدیل خواهد شد.^۱ در این خصوص، تفاوتی نمی‌کند که مشارکت دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده در قالب فعل یا ترک فعل یا از روی «تقصیر» (Fault) یا «بی‌احتیاطی» (Negligence) واقع شده باشد. همچنین، تنها پس از احراز مسئولیت بین‌المللی و در مرحله تعیین جبران خسارت، مشارکت زیان‌دیده در خسارت مد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین، علاوه بر اینکه نمی‌توان آن را به‌عنوان عامل رافع وصف متخلفانه عمل قلمداد نمود، در مقام یکی از موانع طرح دعوا یا ایراد مقدماتی نسبت به صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده نیز قابلیت طرح ندارد. به‌علاوه، از آنجایی که عوامل رافع وصف متخلفانه عمل سبب منتفی شدن مسئله جبران خسارت نخواهند شد،^۲ در موارد پذیرش این عوامل از سوی مرجع رسیدگی‌کننده نیز نقش زیان‌دیده در ورود خسارت مورد توجه قرار خواهد گرفت.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» که جلوه‌ای آشکار از قاعده «اقدام» در فقه اسلامی است،^۳ تنها نسبت به آن دسته از رفتارهای دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده اعمال می‌گردد که نسبت به خسارت وارده تأثیرگذار است و سایر اقدامات زیان‌دیده - حتی اگر آشکارا متخلفانه باشد - سبب اعمال آن نخواهد شد. همچنین، تنها رفتار زیان‌دیده اصلی در این باره

1. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 39; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 39.
2. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 27(b); ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 27(b).

لزوم جبران خسارت در موارد استناد موفق به عوامل رافع وصف متخلفانه عمل را حداقل در خصوص برخی از آن‌ها از جمله دفاع مشروع و اقدامات متقابل که اقدام‌کننده در مقام اعمال حق خود اقدام می‌کند، نمی‌توان به‌آسانی پذیرفت (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۲۳).

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص جلوه‌ها، مصادیق و شرایط اعمال قاعده اقدام در حقوق، نک: جنیدی، لعیا (۱۳۷۸)، «تقصیر زیان‌دیده»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۶، ص ۶۰-۵۵؛ نقیعی، سیدابوالقاسم و شیروانی، خدیجه (۱۳۹۶)، «بررسی پذیرش خطر در حقوق انگلیس با قاعده اقدام در فقه و حقوق ایران»، مجله دانش حقوق مدنی، سال ۶، ش ۱، ص ۶۸-۶۶؛ اسماعیل‌آبادی، علیرضا و رضوی، محمدحسن (۱۳۸۶)، «مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان‌دیده و اقدام (در نظام حقوقی کامن‌لا و اسلام)»، فصلنامه فقه و حقوق، سال ۴، ش ۱۵، ص ۸۲-۶۱؛ کاظمی، محمود (۱۳۹۰)، «اقدام به‌عنوان یکی از منابع مسئولیت مدنی در حقوق اسلام»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۶۵-۱۴۷.

منظور خواهد شد. برای مثال، اگر دولت یا سازمان زیان‌دیده رفتار متخلفانه‌ای را تأیید و به‌مثابه رفتار خود قلمداد نماید، آن رفتار، عمل آن دولت یا سازمان شمرده می‌شود^۱، اما به هنگام تعیین نوع و میزان جبران، تنها عمل زیان‌دیده اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، حتی اگر شرایط خاصی شخص دیگری غیر از زیان‌دیده واقعی درخواست جبران خسارت نماید، مشارکت زیان‌دیده در تعیین میزان جبران مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این راستا، طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی (۲۰۰۱ و ۲۰۱۱) تصریح نموده‌اند: «مشارکت هر شخص یا موجودیتی که جبران خسارت در خصوص خسارت‌های وارده به آن مطالبه می‌گردد، در تعیین جبران تأثیرگذار خواهد بود»^۲. این موضوع مانند اغلب موضوعات حقوق مسئولیت بین‌المللی^۳، با عبارات مشابهی در طرح‌های کمیسیون درج شده، اما به سبب تفاوت میان ماهیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، تمایزهایی در اجرای آن نسبت به هرکدام از آن‌ها قابل تصور است. همچنین از آنجایی که سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌های دارای حاکمیت تشکیل شده و از سوی افرادی که به‌طور هم‌زمان تابعیت دولت‌ها را دارند راهبری می‌شوند، مسائل متعددی در خصوص اجرای قاعده در هریک از این وضعیت‌ها متصور است که نگارندگان این نوشتار در تلاش‌اند تا این مسائل را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در حقوق مسئولیت سازمان‌های

بین‌المللی و حقوق مسئولیت دولت‌ها

علاوه بر وضعیتی که دولت یا سازمان در ورود خسارت نقش دارند، هنگامی که دولت یا سازمان پس از ایجاد خسارت با وجود توانایی از افزایش آن، جلوگیری ننماید یا با اقدامات غیرمعقول آن را افزایش دهد نیز «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین در طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی، به مفهوم «تعهد به کاهش

1. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 11; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 9.

2. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 39; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 39.

۳. پذیرش اغلب مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص سازمان‌های بین‌المللی سبب شده است تا برخی از افراد از این روش قاعده‌سازی به‌عنوان شیوه «کپی آند پیست» (Copy and Paste) یاد کنند (Ahlborn, 2012, pp. 53-65). این عمدتاً به این سبب است که قواعدی که می‌تواند بر یک دولت اعمال شود، می‌تواند بر مجموعه‌ای از دولت‌ها نیز فارغ از شخصیت حقوقی مستقل آن، اعمال گردد (Amerasinghe, 2013, p. 76).

خسارت» (Duty to Mitigation) نیز اشاره شده است.^۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱م) تصریح می‌کند که از قربانی کاملاً بی‌گناه انتظار می‌رود تا پس از مواجهه با خسارت به‌طور معقول عمل نماید.^۲ همچنین، سند یادشده با کاربرد عبارت «هرگونه خسارت قابل ارزیابی مالی» (Any Financially Assessable Damage) در خصوص خسارت‌های قابل جبران، هزینه‌های مربوط به تدابیری را که در راستای تعهد به کاهش خسارت از سوی زیان‌دیده اتخاذ می‌گردد نیز قابل مطالبه تلقی نموده است.^۳ باین‌حال، طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) با وجود پذیرش این مفهوم، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کند که «تعهد به کاهش خسارت» ذیل «تعهدات اولیه» (Primary Rules) حقوق بین‌الملل مطرح می‌شود و بررسی آن در سند یادشده که به «قواعد ثانویه» (Secondary Rules) می‌پردازد، ضرورتی ندارد.^۴ پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر سازمان بین‌المللی زیان‌دیده توانایی یا امکانات اتخاذ تدابیر مربوط به کاهش خسارت را نداشته باشد و دولت یا دولت‌های عضو آن با وجود داشتن چنین شرایطی از آن جلوگیری نمایند، آیا جبران خسارت به‌واسطه این امتناع کاهش خواهد یافت؟ دولت‌های عضو سازمان زیان‌دیده تعهدی نسبت به کاهش خسارت وارده به سازمان ندارند؛ مگر اینکه به‌موجب قواعد سازمان، چنین وظیفه‌ای به آن‌ها محول شده باشد. اما خودداری ارکان سازمان بین‌المللی زیان‌دیده از کاهش خسارت - به‌مانند ارگان‌های دولت زیان‌دیده - بدون تردید می‌تواند منجر به کاهش میزان جبران گردد. درواقع، با اینکه «شخصیت حقوقی بین‌المللی» (International Legal Personality (ILP)) حتی برای ارکان فرعی سازمان‌های بین‌المللی نیز قابل تصور است،^۵ این شخصیت به‌واسطه وجود سازمان بین‌المللی و ناشی از آن است و نمی‌توان برای این ارکان، مستقل از سازمان، شخصیت حقوقی بین‌المللی در نظر گرفت.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» با عبارات مشابهی در دو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱م) و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) درج شده است، اما به سبب تفاوت میان ماهیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، در

1. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 39, para. 3.
2. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentary of 11 of art. 31.
3. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of 5,34 of art. 36.
4. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, Commentary of 3 of art. 39.
5. دیوان بین‌المللی دادگستری در دو نظریه مشورتی خود در قضیه «مازیلو» (Dumitru Mazilu) (۱۹۸۹م) و قضیه «کوماراس وامی» (Datoparam Kumaraswamy) که در پی اختلاف شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد با دولت‌های رومانی و مالزی درخواست شده بود، شخصیت حقوقی بین‌المللی را برای کمیسیون حقوق بشر به‌عنوان رکن فرعی شورای اقتصادی اجتماعی به رسمیت شناخت (بیگزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱-۱۹۰).

اجرای آن در هر کدام از حوزه‌ها تمایزهایی وجود دارد. سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان «تابعان» (Subjects) حقوق بین‌الملل و نهادهای دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی از موجودیت‌های دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی - دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی - تشکیل شده‌اند، اما دولت‌ها چنین ویژگی‌ای ندارند. همچنین، برخلاف دولت‌ها که بر اساس اصل برابری حاکمیت دولت‌ها، شخصیت حقوقی برابر دارند، سازمان‌های بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی برابر نیستند^۱ و شخصیت حقوقی هریک از آن‌ها محدود به «اشتغالات» (Functions) آن‌هاست (Boon, 2011, p. 8). در واقع، تبعیت سازمان‌های بین‌المللی از اصل «خاص بودن» (Speciality)، اختیار آن‌ها را به انجام اموری محدود می‌کند که از سوی مؤسسان به آن‌ها واگذار شده است (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

همین امر سبب شده است تا نظام مسئولیت بین‌المللی در برخی موارد مشابه، قواعد متمایزی را در این دو حوزه بپذیرد. برای مثال، در خصوص «استناد» (Invocation) به مسئولیت بین‌المللی، هر دولت یا سازمان بین‌المللی زیان‌دیده می‌تواند به صرف رعایت شروط «طی مراجع داخلی» (Exhaustion of Local Remedies) و «تابعیت دعاوی» (Nationality of Claims) حسب مورد^۲ به مسئولیت بین‌المللی آن سازمان استناد نماید^۳. دولت یا سازمان غیر زیان‌دیده نیز می‌تواند به‌واسطه نقض یک تعهد جمعی یا یک تعهد در قبال «جامعه بین‌المللی در کل» (International Community as a Whole)، به مسئولیت سازمان متخلف استناد کند^۴.

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی سال ۱۹۴۹م تصریح نمود که تابعان در یک نظام حقوقی لزوماً در ماهیت و میزان حقوقشان با یکدیگر برابر نیستند (Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, advisory opinion of I.C.J., 11 April 1949, p. 174, 178). همین امر سبب شده است تا برخی تردید داشته باشند که آیا می‌توان به‌جای حقوق سازمان‌های مشخص و معین، عبارت «حقوق سازمان‌های بین‌المللی» را مورد استفاده قرار داد (Mendelson, 2015, p. 373). اما همان‌طور که از نام طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) مشخص است، سند یادشده بدون توجه به شخصیت حقوقی نابرابر سازمان‌های بین‌المللی تدوین شده است و بر تمامی این سازمان‌ها، فارغ از نوع آنها، اعمال می‌گردد (Gal-Or and Ryngaert, 2012, p. 511).

2. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, arts. 44-45.

3. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 43.

4. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 49.

استناد سازمان غیر زیان‌دیده به مسئولیت بین‌المللی سازمان متخلف منوط به این است که تعهد نقض شده جزء اشتغالات سازمان استنادکننده باشد. در واقع، سازمان در این راستا، صرفاً در چارچوب وظایفی اقدام می‌کند که دولت‌های عضو به آن محول نموده‌اند (ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 49(3), Commentary of 7 of art. 49). مسئولیت، ر.ک. محبی، محسن و بذآر، وحید (۱۳۹۷)، «مفهوم استناد به مسئولیت بین‌المللی با تأکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)»، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، ش ۱، ص ۲۲۲-۲۰۱.

اما حق استناد سازمان به مسئولیت دولت ناقض تعهد بین‌المللی مورد شناسایی قرار نگرفته است؛ حتی اگر آن تعهد، یک تعهد در قبال کل جامعه بین‌المللی باشد. در واقع، می‌توان گفت به باور تدوین‌کنندگان این اسناد، هدف و رسالت سازمان‌های بین‌المللی، صیانت و تحقق اهداف دولت‌های عضو است و سازمان‌ها رسالت خاصی در صیانت از منافع جامعه بین‌المللی ندارند.^۱ این در حالی است که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خسارت‌های وارده به کارکنان سازمان ملل متحد (۱۹۴۹م) به صراحت اعلام نمود که سازمان‌ها قادر به طرح دعوا در عرصه بین‌المللی می‌باشند.^۲ به‌رحال، در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م)، امکان اتخاذ «اقدامات متقابل» (Countermeasures) از سوی سازمان‌ها در قبال دولت‌های متخلف پذیرفته شده است^۳ و حتی امکان توسل به اقدامات متقابل از سوی دولت یا سازمان عضو یک سازمان زبان‌دیده نیز وجود دارد.^۴ البته سازمان‌های بین‌المللی در مواردی متوسل به عملیات نظامی علیه دولت متخلف شده‌اند^۵ که نمونه بارز آن مداخله سازمان ملل متحد در بروز جنگ اول خلیج فارس است.^۶

همچنین، با وجود امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، به این سبب که یافتن یک دادگاه قضایی برای طرح دعوا علیه آن‌ها تقریباً غیرممکن است، به‌ندرت به

1. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 49, para. 10.
2. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, advisory opinion of I.C.J., 11 April 1949, pp. 184-185.
3. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 51(1).
4. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 52.

دولت یا سازمان عضو سازمان بین‌المللی زبان‌دیده تحت شرایط زیر مجاز به توسل به اقدامات متقابل علیه سازمان مسئول است:

اقدام متقابل مغایر قواعد سازمان نباشد؛ هیچ وسیله مناسب دیگری وجود نداشته باشد؛ اقدامات به‌گونه‌ای اتخاذ گردد که امکان ادامه ایفای تعهدات از سوی سازمان مسئول وجود داشته باشد؛ اقدام متقابل متناسب با خسارت وارده باشد؛ قبل از اقدام باید سازمان مسئول، مطلع و دعوت به مذاکره شود؛ اثر اقدامات متقابل باید محدود به اشتغالات سازمان باشد؛ و اینکه اقدامات متقابل باید به محض توقف عمل متخلفانه بین‌المللی یا طرح اختلاف در دادگاهی که تصمیم الزام‌آور اتخاذ می‌کند، متوقف گردد.

۵. گزارشگر ویژه کمیسیون (آقای اگو) و گزارشگران قبلی طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱م) (ریپپهاخن و آرانجیو روییز) قصد داشتند تا اولویت نهادها و سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان ملل را در خصوص عکس‌العمل نسبت به یک عمل متخلفانه بین‌المللی تثبیت نمایند ILC (Eighth Report on State Responsibility (R Ago), ILC Yearbook 1979, Vol II (1), 43-44, (paras 91-92); Seventh Report on State Responsibility (G Arangio-Vaurs- Ruiz), ILC Yearbook 1995, Vol II (1), 17 ff). اما در این مسیر موفقیتی به‌دست نیاوردند (Vaus-Chaumette, 2010, p. 1026).

۶. انتساب این حمله نظامی که از سوی ۴۰ کشور به فرماندهی ژنرال امریکایی، شوارتزکوف (Norman Schwarzkopf)، انجام گرفت و حتی صدور فرمان حمله از طرف جرج بوش (پدر) (بیگزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۲) به سازمان ملل قابل تأمل است.

مسئولیت آن‌ها استناد می‌شود (Nollkaemper, 2008, p. 349) و زیان‌دیدگان ترجیح می‌دهند تا در این موارد نیز به مسئولیت یک دولت استناد کنند. برای مثال، پس از حمله نظامی سازمان ناتو (North Atlantic Treaty Organization (NATO)) به سرزمین یوگسلاوی، صربستان و مونته‌نگرو، دعاوی متعددی علیه ۱۰ دولت عضو سازمان در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده است. یا حتی در نظام «قیمومت» (Trusteeship) سازمان ملل متحد که طبیعتاً سازمان، مسئول سرنوشت مردمان سرزمین تحت قیمومت است، دعاوی متعددی در سطح بین‌المللی علیه برخی دولت‌های عضو سازمان، مانند دعاوی مطرح‌شده علیه افریقای جنوبی، مطرح گردید (Pronto, 2013, p. 154).

مورد دیگری که می‌توان در خصوص تمایز میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بیان نمود، اهمیت قواعد داخلی آن‌هاست. برخلاف قوانین داخلی دولت‌ها، «سند مؤسس» (Constituent Instrument) سازمان و برخی از قواعد آن، یک وضعیت «منحصر به فرد» (*Sui generis*) دارند و می‌توانند به‌عنوان منبع حقوق بین‌الملل برای سازمان یادشده تعهد حقوقی و مسئولیت بین‌المللی ایجاد نمایند (Pronto, 2013, p. 155). از آنجایی که حقوق اولیه قابل اعمال بر مسئولیت بین‌المللی دولت و سازمان، حقوق بین‌الملل است، این تمایز می‌تواند نقش تأثیرگذاری ایفا کند. تعهدات اولیه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند مبنای متمایزی از یکدیگر داشته باشند. از این رو، هنگامی که به‌واسطه یک عمل متخلفانه واحد، چند دولت و سازمان بین‌المللی به‌طور هم‌زمان مسئول قلمداد می‌شوند، سمت زیان‌دیده برای استناد به مسئولیت بین‌المللی هریک از آن‌ها ممکن است بر مبنای متمایزی استوار گردد (Vermeer-Kunzil, 2014, p. 258).

اغلب تمایزهای مربوط به تأثیرگذاری «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در خصوص سازمان‌های بین‌المللی مربوط به این واقعیت است که سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌های دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی تشکیل شده‌اند و امور این سازمان‌ها را افرادی انجام می‌دهند که به‌طور هم‌زمان تابعیت یک دولت را نیز دارند. همچنین، هنگامی که سازمان و دولت عضو آن به‌طور هم‌زمان زیان‌دیده تلقی می‌شوند یا زمانی که ارگان یک دولت یا سازمان در اختیار دولت یا سازمان دیگر قرار می‌گیرد، مسائل متعددی در خصوص اعمال آن ایجاد می‌شود که این مباحث در فصول آتی مطالعه و بررسی خواهند شد.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در روابط میان سازمان و دولت‌های

عضو آن

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در روابط میان سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو باید مورد

مطالعه قرار گیرد. نخست به این پرسش می‌پردازیم که آیا می‌توان مشارکت دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی در خسارت وارده به آن سازمان را به‌عنوان مبنایی برای اعمال «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در نظر گرفت؟ سازمان بین‌المللی شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌های عضو خود دارد و این انفکاک تا حدی است که حتی در مواردی که قواعد سازمان از جمله سند تأسیس آن، حق استناد به مسئولیت بین‌المللی سازمان یادشده از سوی دولت‌های عضو را محدود نکرده باشند، این امکان قابل تصور است.^۱ در واقع، دولت‌های عضو نسبت به اعمال حقوقی سازمان، طرف ثالث محسوب می‌شوند و طبق اصل نسبی بودن تعهد از این حیث تکلیفی ندارند (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۶). باین حال، اگر در سند مؤسس، قواعد یا تصمیمات سازمان، قواعد خاصی برای اعمال آن در روابط میان سازمان و دولت‌های عضو آن پیش‌بینی شده باشد، قواعد یادشده - به‌عنوان «قاعده خاص» (Lex Specialis) - لازم‌الرعايه است و دولت‌های ثالث ناگزیر به پذیرش آن هستند (Brownlie, 2015, p. 360). البته این قواعد تنها در برخی حوزه‌ها از جمله مسئولیت جبران خسارت تأثیرگذار است و در سایر حوزه‌ها از جمله مسئله انتساب عمل تأثیری نخواهد داشت. به این ترتیب اگر برای مثال در قواعد داخلی سازمان، مسئولیت دولت‌های عضو در قبال دیون سازمان پذیرفته شده باشد، پس از تعیین میزان جبران خسارت با توجه به «مشارکت زیان‌دیده در خسارت»، دولت عضو بر اساس قواعد خاص سازمان، کل خسارت یا بخشی از آن را جبران خواهد نمود.^۲

پذیرش قواعد سازمان در این خصوص منوط به این است که سازمان پیش‌گفته در خصوص «مشارکت زیان‌دیده در خسارت»، تعهد معاهداتی مغایری را نپذیرفته باشد. زیرا بر اساس کنوانسیون حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی (۱۹۸۶م)، یک سازمان طرف معاهده نمی‌تواند برای توجیه عدم اجرای معاهده به قواعد سازمان استناد نماید.^۳ همچنین، تصمیمات سازمان که در مغایرت با «قواعد آمره» (jus cogens) حقوق بین‌الملل است، قابل پذیرش نیست. معروف‌ترین مثال در این خصوص قضیه «کادی و البرکات» در دیوان دادگستری اروپاست که دیوان یادشده آیین‌نامه اجرایی شورای اروپا که الزامات قطعنامه فصل هفتمی شورای امنیت را - که برای اعضا الزام‌آور است - در منطقه

1. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 49, para. 4.

۲. با اینکه در مواردی مسئولیت اعضا در قبال اقدامات سازمان پذیرفته می‌شود، بر اساس اصل «استاپل» (Estoppel) می‌توان به مسئولیت اعضا در قبال اقدامات سازمان بها داد، اما اصل اساسی «نسبی بودن اثر تعهد»، التزام طرف‌های ثالث به قواعد سازمان در خصوص تعیین مسئولیت اعضای آن را نفی می‌کند (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۷).

3. Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations 1986, art. 27(2).

اروپا اجرایی می‌نمود به دلیل مغایرت با قواعد بنیادین حقوق بشر باطل اعلام کرد (بذار، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳).^۱ پرسشی که مطرح می‌شود این است که خروج دولت عضو چه تأثیری بر شرایط پیش‌بینی شده خواهد گذاشت؟ در پاسخ باید گفت که مشارکت زیان‌دیده در خسارت، در زمان نقض تعهد مد نظر قرار خواهد گرفت و بر اساس قواعد عمومی مسئولیت بین‌المللی، نقض تعهد بین‌المللی زمانی واقع می‌شود که عملی که نقض تعهد دولت یا سازمان متخلف است، واقع گردد.^۲ بنابراین، اگر در هنگام وقوع نقض تعهد، دولت یادشده هنوز عضو سازمان تلقی می‌شود، بدون تردید شرایط پیش‌بینی شده در قواعد سازمان نسبت به آن اجرا خواهد شد و در غیر این صورت، این دولت هیچ‌گونه تقیدی نسبت به قواعد سازمان نخواهد داشت. زمان خروج دولت از سازمان نیز بر اساس قواعد سازمان تعیین خواهد شد. برای مثال، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (Brexit) که امروزه مطرح است، منوط به طی شدن یک دوره زمانی دوساله است. بنابراین، اصل بر این است که به واسطه استقلال شخصیت حقوقی سازمان از دولت‌های عضو آن، رفتار سازمان را نمی‌توان به دولت‌های عضو منتسب نمود. با این حال، این اصل سه استثنا دارد. نخستین استثنا حالتی است که دولت عضو سازمان به صورت صریح یا ضمنی، مسئولیت ناشی از اقدام سازمان را - پیش یا پس از ارتکاب عمل - بپذیرد.^۳ مورد بعدی در خصوص سازمان‌هایی صدق می‌کند که تعداد دولت‌های عضو آن کم است^۴ و استثنای سوم زمانی است که دولت عضو با سوء استفاده از صلاحیت سازمان در موضوع یکی از تعهدات خود با فراهم آوردن شرایط ارتکاب آن عمل از سوی سازمان، از زیر بار تعهدات خود بگریزد.^۵ امکان مسئول تلقی نمودن دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی به واسطه اقدام سازمان، در رویه قضایی

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص رأی کادی نک:

- محبی، محسن و آذری، هادی (۱۳۹۵)، «پاسخ‌هایی جدید به سؤال‌هایی قدیمی: درس‌هایی از آرای کادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۷۴، ص ۶۷-۳۱.
2. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 13; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 11.
3. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 62, para. 6.
4. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 62, para. 10.
- دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «کارخانه‌های خمیر کاغذ» (ارژانتین علیه اروگوئه ۲۰۱۰م)، موجودیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی متشکل از دو دولت را به رسمیت شناخت (Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), I.C.J. Judgment of 20 April 2010, para. 93).
5. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 61.
- در برخی از حوزه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل فضا، برای مراجعه به دولت‌های عضو سازمان، مهلت زمانی تعیین شده است. بر اساس کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی ناشی از اشیای فضایی (۱۹۷۲م)، اگر خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های فضایی یک سازمان تا شش ماه جبران نگردد، زیان‌دیده می‌تواند به دولت‌های عضو آن سازمان مراجعه کند (Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects 1972, art. XXII(3)(b)).

بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱ در قضیه «ویت آند کندی» (۱۹۹۹م) که در پی حکم به مصونیت «آژانس فضایی اروپا» (European Space Agency (ESA)) از سوی دادگاه داخلی کشور آلمان در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد^۲، دیوان تصریح نمود: «هنگامی که دولت‌های عضو یک سازمان، اختیارات خود در حوزه خاصی را به سازمان اعطا می‌کنند، مبرا کردن دولت‌های عضو از تعهدات ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حوزه فعالیت‌های آن سازمان، مغایر با «موضوع و هدف کنوانسیون» (Object and Purpose of Convention) خواهد بود.^۳ همچنین، دیوان شش سال بعد، در قضیه «بوسفوروس» موضوع خود را تکرار و تأکید کرد: «یک دولت نمی‌تواند با انتقال برخی از وظایف خود به یک سازمان بین‌المللی از تعهدات ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سر باز زند؛ زیرا معاف نمودن کامل دولت‌ها از مسئولیت ناشی از کنوانسیون سبب می‌گردد که تضمینات مقرر در کنوانسیون، خاصیت آمرانه خویش را از دست بدهند و به‌طور ارادی نادیده گرفته شوند»^۴. دیوان در قضیه شکایت کارکنان ناتو علیه ایتالیا و بلژیک (۲۰۰۹م) نیز اعلام کرد: دولت‌ها به هنگام اعطای بخشی از اختیارات حاکمیتی خود به یک سازمان، متعهد می‌شوند تا بر این امر نظارت داشته باشند که حق‌های مورد تضمین کنوانسیون، در سازمان بین‌المللی یادشده از حمایتی برابر با حمایت‌های مقرر در ترتیبات کنوانسیون برخوردار باشند.^۵ باین حال، حتی در فروضی که دولت‌های عضو سازمان ممکن است در قبال عمل سازمان مسئول قلمداد شوند، امکان زیان‌دیده تلقی شدن آن‌ها به‌واسطه زیان‌دیدن سازمان قابل تصور نیست. درواقع، فروض پیش‌بینی شده در خصوص امکان مراجعه به دولت‌های عضو سازمان، استثناهایی بر اصل استقلال شخصیت حقوقی سازمان هستند که در موارد تردید نسبت به آن‌ها باید به صورت مضیق تفسیر گردند.

پرسش پیش‌گفته در وضعیتی که یک سازمان بین‌المللی در خسارت وارده به دولت عضو

۱. در دیوان بین‌المللی دادگستری، موضوع امکان استناد به مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان، پس از حمله سازمان «ناتو» به دولت صربستان و مونته‌نگرو در سال ۱۹۹۹م مطرح گردید. شرح قضیه از این قرار است که صربستان با استناد به مسئولیت بین‌المللی ۱۰ دولت عضو سازمان ناتو، ۱۰ دادخواست جداگانه را در دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت نمود. در این قضیه، بحث‌های متعددی میان خواهان و خواندگان (به‌ویژه پرتغال و آلمان) در خصوص امکان استناد به مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان مطرح گردید که به سبب عدم احراز صلاحیت دیوان، فرصت بررسی این مسئله فراهم نشد.

2. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 61, para. 3.

3. Waite and Kennedy v. Germany, Judgment of 18 February 1999, ECHR Reports, 1999-I, p. 410, para. 67.

4. Bosphorus Hava Yollary Turizm ve Ticaret Anonim Sirketi v. Ireland, Judgment of 30 June 2005, ECtHR Reports, 2005-VI, pp. 157-158, para. 154.

5. Gasparini v. Italy and Belgium, European Court of Human Rights, application No. 10750/03, decision of 12 May 2009.

خود مشارکت دارد نیز مطرح می‌شود. علی‌رغم اینکه اگر یک سازمان با اعطای مجوز یا اتخاذ تصمیمات الزام‌آور برای اعضای خود سبب ارتکاب عمل متخلفانه از سوی آن‌ها شود، می‌توان به مسئولیت سازمان استناد نمود^۱؛ حتی در این فرض استثنایی نیز نمی‌توان از مشارکت سازمان در خسارت وارده به دولت عضو خود سخن گفت. مشخص‌ترین مثالی که می‌توان در این خصوص بیان نمود، پیش‌بینی «تحریم» (Sanction) هایی از سوی شورای امنیت سازمان ملل نسبت به یکی از دولت‌های عضو سازمان است. هنگامی که شورای امنیت پس از احراز «تهدید علیه صلح» (Threat to the Peace)، «نقض صلح» (Breach of the Peace) یا «عمل تجاوز» (Act of Aggression) تصمیم‌هایی را بر اساس فصل هفتم منشور اتخاذ می‌نماید، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملزم به اجرای آن هستند و حتی اجرای تعهدات ناشی از این تصمیم بر سایر تعهدات دولت‌های پیش‌گفته اولویت خواهد داشت^۲. قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت همواره خسارت‌هایی را به دولت تحریم‌شونده وارد می‌کند (Dominice, 2015, p. 364)، اما به هنگام تعیین احتمالی میزان جبران خسارت نمی‌توان مشارکت سازمان ملل در خسارت را مد نظر قرار داد. تصمیمات «کمیسیون اروپا» (European Commission (EC)) که به‌طور مستقیم در دولت‌های عضو آن لازم‌الاجرا می‌باشند نیز دارای همین شرایط هستند. کلیه مواردی که در خصوص «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در روابط میان سازمان و دولت‌های عضو آن بیان گردید، در رابطه میان سازمان بین‌المللی و «دولت میزبان» (Host State) - که مقرر سازمان در آنجاست - نیز حاکم است.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در خصوص اعمال ارگان، کارمند

یا کارگزار دولت یا سازمان بین‌المللی

دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری حدود ۱۰۰ سال پیش تصریح نمود که «دولت‌ها جز از طریق ارگان (Organ) و نمایندگان خود نمی‌توانند اقدام کنند»^۳. این واقعیت در خصوص سازمان‌های بین‌المللی نیز صدق می‌کند (Talmon, 2015, P. 408). بنابراین، رفتار ارگان دولت

1. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 17(1),(2).
کمیسیون حقوق بین‌الملل که همواره و بارها این ادعای خود را تصریح نموده است که در طرح مسئولیت بین‌المللی به تعهدات ثانویه می‌پردازد، در مواد ۱۷ و ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) که به منظور پوشش دادن وضعیت‌هایی پیش‌بینی شده است که متخلف در پی دور زدن تعهدات خود است، آشکارا به تعهدات اولیه می‌پردازد (Aspremont, 2012, p. 24).

2. Charter of the United Nations, arts. 25,39,41, 103.

3. German Settlers in Poland, Advisory Opinion, 1923, PCIJ, Series B, No. 6, 22.

یا ارکان یا کارگزاران (Agents) سازمان که در حیطة اشتغالات آن‌ها باشد، قابل انتساب به آن‌هاست و در تعیین جبران مد نظر قرار می‌گیرد؛ حتی اگر این رفتار «خارج از حدود اختیارات» (*ultra vires*) آن رکن یا کارگزار بوده باشد.^۱ در مواردی که دولت یا سازمان در راستای «حمایت دیپلماتیک» (Diplomatic Protection) یا «حمایت شغلی» (Functional Protection) از ارگان، کارمندان یا کارگزاران زیان دیده اقدام می‌کند، نقش زیان دیده در ورود خسارت- نه نقش دولت یا سازمان حمایت‌کننده- در تعیین میزان جبران ناشی از آن خسارت تأثیرگذار خواهد بود.

در خصوص کارکنان سازمان‌های بین‌المللی یک دسته‌بندی عام وجود دارد که ایشان را به «کارمندان» (Officials) و «کارشناسان» (Experts) تقسیم می‌کند.^۲ با اینکه حقوق، مزایا و مصونیت‌هایی برای هر کدام از آن‌ها پیش‌بینی شده^۳، هیچ تعریف یا ضابطه‌ای به‌منظور بازشناسی آن‌ها از یکدیگر ارائه نشده است (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). از آنجایی که کارکنان سازمان بین‌المللی به‌طور هم‌زمان تبعه یک دولت نیز هستند، در برخی موارد ممکن است وضعیت پیچیده‌ای ایجاد شود. کارمند سازمانی را تصور کنید که تبعه یکی از دولت‌های عضو سازمان است و آن دولت با سوء استفاده از صلاحیت سازمان و با فراهم آوردن شرایط ارتکاب عمل متخلفانه از سوی سازمان، سبب ورود خسارت به تبعه خود می‌شود. در این حالت، دولت متبوع فرد زیان دیده که دستانی ناپاک دارد، می‌بایست از او در قبال خسارت وارده از سوی سازمان، حمایت دیپلماتیک نماید. از طرف دیگر، اگر سازمان یادشده با صدور یک دستور الزام‌آور برای دولت عضو سبب شود تا این دولت به تبعه خود که هم‌زمان کارمند سازمان است، به هنگام اشتغال او در کارکردهای مربوط به سازمان خسارت وارد آورد، سازمانی که مسبب عمل زیان‌بار دولت بوده است، باید در راستای حمایت شغلی از کارمند خود اقدام نماید. در مثال‌های پیش‌گفته به نظر می‌رسد که نمی‌توان از سازمان یا دولت انتظار داشت تا حمایت واقعی از فرد زیان‌دیده به‌عمل آورد و از آنجایی که دولت متبوع، «حق اعمال حمایت دیپلماتیک» (Right to Exercise Diplomatic Protection) را دارد^۴، این دولت حتی می‌تواند از این کار امتناع نماید.

1. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, arts. 4,7; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, arts. 6,8.

2. Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations 1946, arts. 5-6.

۳. کارمندان مصونیت شغلی (Functional Immunity) دارند، اما کارشناسان مصونیت مطلق دارند (ممتاز، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

4. ILC Draft articles on Diplomatic Protection 2006, art. 2.

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در موارد در اختیار قرار دادن ارگان یا ارکان دولت یا سازمان به یکدیگر

بر اساس طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱م) و سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م)^۱، رفتار ارگان دولت یا ارکان و کارگزاران سازمان که در اختیار دولت یا سازمان دیگر قرار می‌گیرد، رفتار دولت یا سازمان اخیر تلقی می‌گردد.^۲ «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در مواردی که ارگان در اختیار قرار داده شده در ورود خسارت به دولت یا سازمان زیان‌دیده در اختیار گیرنده نقش دارد، به سبب انتساب عمل ارگان پیش گفته به دولت یا سازمان زیان‌دیده، در تعیین میزان خسارت مورد توجه قرار می‌گیرد. متداول‌ترین مثال در این خصوص، موردی است که دولت‌های عضو سازمان، نیروهای نظامی خود را برای انجام عملیات «حفظ صلح» (Peacekeeping) در اختیار سازمان قرار می‌دهند. با اینکه پس از تصمیم سازمان در خصوص در اختیار قرار دادن نیروها، دولت‌های عضو اقدام به آن می‌کنند، معیار انتساب عمل، «کنترل مؤثر» (Effective Control) بر نیروهاست. در واقع، با اینکه دولت‌ها تلاش می‌کنند تا مسئولیت ناشی از اقدام این نیروها را به سازمان منتسب نمایند (Proulx, 2013, p. 112)، صرفاً زمانی سازمان مسئول این اقدامات خواهد بود که نیروهای یاد شده تحت کنترل مؤثر سازمان باشند. همچنین، اگر این ارگان تحت کنترل مؤثر دولت یا سازمان در اختیار قرار گیرنده باشد نیز همچنان پیوند رسمی خود با دولت یا سازمان در اختیار قرار دهنده را حفظ خواهد کرد؛ برای مثال، جرایم کیفری نیروهای حافظ صلح ملل متحد در حیطه صلاحیتی دولت متبوع آنان قرار دارد (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۸-۲۷۷). اینکه ارگان یاد شده در برخی موارد تحت صلاحیت مرجع در اختیار قرار دهنده و برخی اوقات تحت صلاحیت مرجع در اختیار قرار گیرنده باشد، لحاظ نمودن «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» را بسیار پیچیده خواهد کرد. به علاوه، دولت یا سازمان در اختیار قرار دهنده می‌تواند در هر زمان پس از در اختیار قرار دادن آن، از این اقدام منصرف گردد و ارگان خود را بازگرداند که این وضعیت نیز لحاظ نمودن «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» را با پیچیدگی‌هایی مواجه خواهد کرد. برای مثال، دولت‌های اعزام‌کننده قوای نظامی در قالب نیروهای حافظ صلح می‌توانند در هر زمان که مناسب بدانند، مانند آنچه در عملیات حفظ صلح کنگو اتفاق افتاد، نیروهای خود را از عملیات خارج نمایند (بیگزاده، ۱۳۸۵، ص ۵۱).

1. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 6; ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 7.

۲. طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱م) و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) در خصوص ارگان دولت یا ارکان و کارگزاران سازمان که در اختیار دولت یا سازمان دیگر قرار می‌گیرد، از چهار حالت ممکن تنها موردی را که ارگان یک سازمان در اختیار دولت قرار می‌گیرد پیش‌بینی نکرده است (Talmon, 2015, P. 413).

«مشارکت زیان‌دیده در خسارت» در موارد زیان‌دیدن هم‌زمان سازمان و دولت عضو آن

پرسشی که در این بخش به آن می‌پردازیم، این است که اگر سازمان و دولت عضو آن که در یک فعالیت بین‌المللی مشارکت دارند، به‌واسطه آن فعالیت خسارت ببینند، «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» به چه نحوی لحاظ خواهد شد؟ و اگر پیش از مبادرت به فعالیت یادشده، موافقت‌نامه‌ای در خصوص توزیع مسئولیت احتمالی میان سازمان و دولت عضو منعقد شده باشد، این پرسش چه پاسخی خواهد داشت؟ به‌طور کلی، هنگامی که یک سازمان و دولت عضو آن به‌واسطه یک آسیب واحد به‌طور هم‌زمان زیان‌دیده تلقی می‌شوند، «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» به تناسب نقش هرکدام از زیان‌دیدگان در زیان وارده به آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، «اعراض» (Waiver) از سوی سازمان یا دولت عضو آن، تأثیری بر حق استناد به مسئولیت از سوی دیگری نخواهد داشت.^۱ این وضعیت در «موافقت‌نامه‌های مختلط» (Mixed Agreements) که سازمان و دولت عضو آن به‌طور جداگانه طرف آن هستند، قابل تصور است. همچنین برخی اسناد بین‌المللی این الزام را برای سازمان و دولت‌های عضو آن پیش‌بینی می‌کنند که در هنگام پیوستن به آن، حدود مسئولیت خود را مشخص نمایند. در این مورد، هرکدام از سازمان و دولت عضو، شخصیت‌های حقوقی مستقلی در چارچوب روابط معاهداتی قلمداد می‌شوند (Talmon, 2015, P. 408) و حتی شرایط پیش‌بینی شده در قواعد سازمان یا اتخاذ تصمیم بعدی نیز تأثیری بر نحوه لحاظ نمودن «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» نخواهد گذاشت. برای مثال، «آژانس فضایی اروپا» (European Space Agency) در پرتاب یک «شیء فضایی» (Space Object) که به‌طور مشترک با یک دولت عضو خود انجام می‌دهد، کلیه خسارت‌های ناشی از پرتاب را تقبل می‌نماید. خسارت وارده به سازمان به‌واسطه این پرتاب که به دولت عضو «قابل انتساب» (Attributable) بوده، اصولاً از دولت عضو قابل مطالبه است و «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» نیز در خصوص آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اما موافقت‌نامه منعقد سبب می‌شود تا پس از احراز مسئولیت دولت عضو و تعیین میزان جبران با توجه به مشارکت آن دولت در خسارت، مسئولیت جبران خسارت به سازمان منتقل گردد. در واقع، موافقت‌نامه منعقد بر موضوع انتساب و نحوه لحاظ نمودن «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» تأثیری ندارد و صرفاً پس از تعیین میزان جبران خسارت، مسئولیت جبران را به زیان‌دیده - در مثال پیش‌گفته، سازمان - منتقل می‌کند.

1. ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations 2011, art. 46, para. 4.

نتیجه

در حقوق مسئولیت بین‌المللی، هنگامی که زیان‌دیده در ورود خسارت به خود نقش دارد یا پس از ورود خسارت با وجود توانایی، تلاشی در راستای کاهش آن نمی‌کند، میزان جبران بر اساس نقش زیان‌دیده کاهش می‌یابد. قاعده یادشده که تنها پس از احراز مسئولیت بین‌المللی و در مرحله تعیین نوع و میزان جبران قابل اعمال است، حتی در حالتی که سازمان یا دولت در حمایت از کارکنان، ارگان یا اتباع خود حسب مورد اقدام می‌نماید یا هنگام استناد به عوامل رافع وصف متخلفانه عمل نیز اجرا می‌گردد. با اینکه در طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱م) و سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱م) به‌طور مشابه به این امر پرداخته شده است، تمایزهایی در مرحله اجرای آن در دو حوزه پیش‌گفته متصور است. این تمایزها عمدتاً به این سبب است که سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان موجودیت‌های دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی از دولت‌های دارای همین شخصیت تشکیل شده‌اند و افراد اداره‌کننده این سازمان‌ها به‌طور هم‌زمان رابطه تابعیتی با یک دولت دارند. همچنین، سازمان‌های بین‌المللی برخلاف دولت‌ها دارای شخصیت بین‌المللی برابر با یکدیگر نیستند و شخصیت آن‌ها محدود به اشتغالات آن‌هاست. بدون تردید اعمال ارگان یا ارکان دولت یا سازمان بین‌المللی حسب مورد قابل انتساب به آن‌هاست و اگر اعمال یادشده نقشی در ورود خسارت داشته باشد، در تعیین میزان جبران خسارت نسبت به دولت یا سازمان زیان‌دیده مورد توجه قرار خواهد گرفت. اما دولت‌های عضو سازمان را باید از این قاعده مستثنی نمود، زیرا سازمان بین‌المللی شخصیتی مستقل از دولت‌های عضو خود دارد و حتی اگر تحت شرایط استثنایی بتوان دولت‌های عضو را در قبال اقدام سازمان مسئول قلمداد نمود، امکان زیان‌دیده تلقی شدن آن‌ها به‌واسطه زیان‌دیدن سازمان قابل تصور نیست. همچنین، در مواردی که سازمان در قبال اقدام یک دولت عضو، مسئول قلمداد می‌شود نیز همین حکم لازم‌الاجرا است.

اگر در قواعد سازمان از جمله سند مؤسس آن، شرایطی در خصوص توزیع مسئولیت در روابط میان سازمان و دولت عضو پیش‌بینی شده باشد، آن قواعد به‌عنوان «قاعده خاص» اجرا می‌شود. البته قواعد سازمان نمی‌توانند مسائل اساسی از جمله موضوع انتساب عمل را تحت تأثیر قرار دهند. قواعد پیش‌بینی شده در خصوص توزیع مسئولیت یا مستثنی نمودن مسئولیت، پس از تعیین میزان جبران با توجه به مشارکت زیان‌دیده، اعمال می‌شوند و مسئولیت جبران را به سازمان یا دولت عضو انتقال می‌دهند. همچنین، هنگامی که زیان به کارکنان سازمانی وارد می‌شود که در برخی مسائل تحت حمایت شغلی سازمان و در برخی دیگر تحت حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود هستند، «مشارکت زیان‌دیده در کاهش خسارت» در مقام اجرا با پیچیدگی‌هایی مواجه می‌شود؛ به‌خصوص زمانی که یکی از دولت‌های

عضو سازمان با سوء استفاده از صلاحیت سازمان و با فراهم آوردن شرایط ارتکاب عمل متخلفانه از سوی سازمان، سبب ورود خسارت به تبعه خود گردد یا هنگامی که سازمان یادشده با صدور یک دستور الزام آور برای دولت عضو سبب می شود تا دولت پیش گفته به تبعه خود که همزمان کارمند سازمان است به هنگام اشتغال او در کارکردهای مربوط به سازمان، خسارت وارد آورد. به علاوه، اجرای مفهوم تعهد زیان دیده به کاهش خسارت نیز در روابط میان سازمان و دولت های عضو با موانعی مواجه می شود. به این ترتیب، با وجود استقلال شخصیت حقوقی سازمان از دولت های عضو آن، اگر به موجب قواعد سازمان، وظیفه کاهش خسارت به دولت های عضو محول شده باشد، جلوگیری از آنها می تواند منجر به کاهش میزان جبران گردد.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

۱. اسماعیل آبادی، علیرضا و رضوی، محمدحسن (۱۳۸۶)، «مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان دیده و اقدام (در نظام حقوقی کامن لا و اسلام)»، فصلنامه فقه و حقوق، سال ۴، ش ۱۵.
۲. بذآر، وحید (۱۳۹۶)، «اولویت اجرای حقوق بشر در نظام حقوق بین الملل با تأکید بر رأی کادی (۲۰۰۸) در دیوان دادگستری اروپا»، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، ش ۳۰.
۳. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۳)، تقریرات درس تحلیل عملکرد بین المللی دولت ها و وقایع بین المللی روز، مقطع دکتری حقوق بین الملل عمومی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۴. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمان های بین المللی، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۵. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۵)، «تحول عملیات حفظ صلح در سازمان ملل متحد: رویکردی جدید»، سالنامه ایرانی حقوق بین الملل و تطبیقی، ش ۳.
۶. جنیدی، لعیا (۱۳۷۸)، «تقصیر زیان دیده»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۶.
۷. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۶)، تقریرات درس حقوق مسئولیت بین المللی، مقطع دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۲)، حقوق سازمان های بین المللی، چ ۱، تهران: انتشارات شهردانش.
۹. عبداللهی، محسن (۱۳۸۹)، «تبیین و توسعه حقوق کارگزاران سازمان های بین المللی در رویه دیوان بین المللی دادگستری»، مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین الملل، انتشارات انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

۱۰. کاظمی، محمود (۱۳۹۰)، «اقدام به عنوان یکی از منابع مسئولیت مدنی در حقوق اسلام»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۱.
۱۱. محبی، محسن و آذری، هادی (۱۳۹۵)، «پاسخ‌هایی جدید به سؤال‌هایی قدیمی: درس‌هایی از آرای کادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۷۴.
۱۲. محبی، محسن و بذآر، وحید (۱۳۹۷)، «مفهوم استناد به مسئولیت بین‌المللی با تأکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)»، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، ش ۱.
۱۳. ممتاز، جمشید (۱۳۸۸)، تقریرات درس حقوق سازمان‌های بین‌المللی، مقطع دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تهران.
۱۴. نقیبه، سید ابوالقاسم و شیروانی، خدیجه (۱۳۹۶)، «بررسی پذیرش خطر در حقوق انگلیس با قاعده اقدام در فقه و حقوق ایران»، مجله دانش حقوق مدنی، سال ۶، ش ۱.

۲. انگلیسی

15. Ahlborn, Christiane. (2012), "The Use of Analogies in Drafting the Articles on the Responsibility of International Organizations -An Appraisal of the "Copy-Paste Approach", " International Organizations Law Review, Vol. 9, p. 53-65.
16. Amerasinghe, C. F. (2013), "An Assessment of the ILC's Articles on the Responsibility of International Organizations", Responsibility of International Organizations (Essays in Memory of Sir Ian Brownlie)-edited by Maurizio Ragazzi, IDC Publishers and Martinus Nijhoff Publishers, p. 71-78.
17. Aspremont, Jean D. (2012), "The Articles on the Responsibility of International Organizations Magnifying the Fissures in the Law of International Responsibility", International Organizations Law Review, Vol. 9, p. 15-28.
18. Boon, Kristen E. (2011), "New Directions in Responsibility: Assessing the ILC's Draft Articles on the Responsibility of International Organizations", The Yale Journal of International Law Online, Vol. 37, p. 1-10.
19. Brownlie, Ian. (2015), "International Organizations", International Responsibility Today (Essays in Memory of Oscar Schachter)-edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers, p. 355-362.
20. Dominice, Christian. (2015), "The International Responsibility of the United Nations for Injuries Resulting from Non-Military Enforcement Measures", International Responsibility Today (Essays in Memory of Oscar Schachter)-edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers, p. 363-370.
21. Gal-Or, Noemi and Ryngaert, Cedric. (2012), "From Theory to Practice: Exploring the Relevance of the Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (DARIO) - The Responsibility of the WTO and the UN", German Law Journal, Vol. 13, No. 5, p. 511-541.
22. Mendelson, Maurice. (2015), "The Definition of 'International Organization' in

- the International Law Commission's Current Project on the Responsibility of International Organizations", *International Responsibility Today (Essays in Memory of Oscar Schachter)*-edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers, p. 371-390.
23. Nollkaemper, Andre. (2008), "Multi-level Accountability: A Case Study of Accountability in the Aftermath of the Srebrenica Massacre", *The Shifting Allocation of Authority in International Law: Considering Sovereignty, Supremacy and Subsidiarity - Essays in honour of Professor Ruth Lapidoth*, edited by Tomer Broude and Yuval Shany, Hart Publishing, p. 345-368.
 24. Pronto, Arnold N. (2013), "Reflections on the Scope of Application of the Articles on the Responsibility of International Organizations", *Responsibility of International Organizations (Essays in Memory of Sir Ian Brownlie)*-edited by Maurizio Ragazzi, IDC Publishers and Martinus Nijhoff Publishers, p. 147-158.
 25. Proulx, Vincent-Joël. (2013), "An Uneasy Transition? Linkages between the Law of State Responsibility and the Law Governing the Responsibility of International Organizations", *Responsibility of International Organizations (Essays in Memory of Sir Ian Brownlie)*-edited by Maurizio Ragazzi, IDC Publishers and Martinus Nijhoff Publishers, p. 109-120.
 26. Talmon, Stefan. (2015), "Responsibility of International Organizations: Does the European Community Require Special Treatment?" *International Responsibility Today (Essays in Memory of Oscar Schachter)*-edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers, p. 405-422.
 27. Vaurs-Chaumette, Anne-Laure. (2010), "The International Community as a whole", *The Law of International Responsibility*-edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press, p. 1023-1028.
 28. Vermeer-Kunzil, Annemarieke. (2014), "Invocation of Responsibility", *Principle of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*-edited by Andre Nollkaemper and Ilias Plakokefalos, Cambridge University Press, p. 251-283.